

تئیر روز

مجلس با دو فوریت طرح شفافیت آرا مخالفت کرد

دارکوب: شفافیت زیاد هم خوب نیست، چشم هارو میزنه!

دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی: دولت برای یک بار هم شده به حقوق های نجومی پایان دهد

دو چیز را پایانی نیست، نجوم و حقوق های نجومی!

رئیس اتحادیه فروشندهان لوازم خانگی: حداقل هزینه های تامین یک جهیزیه متعارف با اقلام ایرانی ۴۰ میلیون تومان است

به شرطی که برقی ها و چوبی ها و فرش رو داماد به عهده بگیره!

وزیر بهداشت: بنده در خانواده خودم هنوز داروی خارجی مصرف نکردم / ایسنا

دارکوب: فقط از عرق نعناع و پماد زردچوبه استفاده می کنین!؟

یک کوهنورد: افراد زیادی بعد از صعود به دماوند دچار مشکلات پوستی و گوارشی می شوند / ایسنا

وقتی میگیریم صبح جمعه نمایم کوه برای پوست مون خوب نیست، کسی باور نمی کنه!

با خانمان

نفرین همیشگی ما



مهدی صفری خواه! طنز پرداز

در هیچ برهه ای از زندگی ام بیشتر از امروز احساس نفرین شدگی نکردم؛ در واقع جمله نمادین مادر را هیچ وقت جدی نمی گرفتم؛ «الهی بچه ات سرت بیاره». این جمله به صورت پیش فرض روی سیستم عامل مادرم نصب بود و مهم نبود در جواب کدام سوال ماست و بعد با اختلاف «مادر نشدی که...» پاسخ دومی بود که همیشه دم دست آماده داشت. حتی وقتی پدر در امور مادرانه اش دخالت می کرد هم همین جمله را می گفت: «مادر نشدی که...» و هر قدر پدر می گفت از نظر بیولوژیکی امکانش را ندارم، مادرم توجه نمی کرد. از یک جایی به بعد حس می کردم مادرم از این جمله برای بیچاندن ما و انحراف بحث استفاده می کند. در واقع خودش هیچی نبود اما آن قدر این جمله را تکرار کرده بود که کائنات چاره ای جز برآورده کردن آن نداشت. نفرین «الهی بچه ات سرت بیاره» سال ها است در خانواده ما می چرخد. داستان های مشترک مادر بزرگم از مادرش و مادرم از مادرم بزرگم صحت قضیه را تأیید می کند. در واقع این نفرین مثل دمی پیمایی مادر م بود، به جای جمله «فعلا امکان مکالمه وجود ندارد» از آن استفاده می کرد. حالا هر وقت که بشقاب به دست برای غذا دادن به بچه در خانه دور افتخار می زنی یا در مشق اولویت بیست و پنجم بچه بعد از شرکت در مراسم ختم مادر عروس دایی مادر بزرگش است، یاد این نفرین می افتم. هنوز دوران نوجوانی بچه باقی مانده و من به صورت جدی دنبال راهی برای باطل کردن این نفرین هستم. حتی به «بانی بیت» جادوگر سریال خاطرات یک خون آشام هم پیغام دادم اما با این نوسان دلار باید برای باطل کردن این نفرین به اندازه یک اختلاس تپیل، ارز خارج کنم و با همه وجود خودم را کنترل می کنم که عصبانیت را سر بچانه با ادای این جمله خالی نکنم. اما از یک طرف نگران هستم وقتی نوه ام قرار است بچه ام را اذیت کند، چه نفرین جدیدی وارد دنیای آن نسل جدیدمان خواهد شد!؟

آذری جهرمی، وزیر ارتباطات: اعتقادی به محدودسازی یا فیلتر کردن شبکه های اجتماعی ندارم.

امیدواریم توئیتر رفع فیلتر شود



دارکوب: خدا قوت پهلوان، خسته نباشی دلاور!

سوژه روز

هنر ژن های خوب!

اولی: توثیت علی ضیاء و خوندین که نوشته به چه دلیلی اجرای برنامه اش تو کیش لغو شده؟  
دومی: به خاطر گرمای هوا؟! البته الان هوا بهتر شده ولی به هر حال ما هنرمندان حساس هستیم و تحمل گرما و سرما رو نداریم.  
سومی: نه، فکر کنم به خاطر این بوده که دستمزدش رو کم حساب کردن. خب هنرمند جماعت زندگی پرخرجی داره و با این مبالغ کارش راه نمی افته.  
اولی: یک کلمه بگین نخوندین توثیت اش رو تا برتون تعریف کنم چیه داستان! الکی هنرمندان واقعی رو با این ستون بدن نکنین.  
دومی: تونمی دونی ما هنرمندان گفتن «بلد نیستیم» رو بلد نیستیم؟ برای همین باید همه

توثیت روز

دلواپسی های خونبار مادرانه!

من آگه گوش می هم می شدم اون می شدم که واسه تست مقاومت با چکش می زدن تو سرش!  
شما دو بار جواب تلفن مادر ت رو نده، به یه چیزایی فکر می کنه که حتی تو فیلم های جن گیر و احضار هم اتفاق نمی افته!  
دارم با سازمان ملل مکاتبه می کنم که شیر کاکائو با کیبک رو به عنوان به غذای مستقل به رسمیت بشناسن!  
تنها جایی که وسیله کمی بار ماشین می کنن که زیاد دیده بشه، جهازه. در بقیه موارد بار هجده چرخ رو می دارن روی پیکان وانته!  
کاش می شد آدمیزاد کیف پولش رو هم مثل گوشیش بزنه به برق شارژ بشه!  
چایی ها وقتی می خوان از یه جای دیگه تعریف کنن می گن ماسالا ماسالا چه رنگی داره!  
ما معمولی ها این قدر زشتیم که توی مراسم، همه جمع می شن عکس بگیرن به ما می گن برو عکس بگیر!  
داریم وارد همون فصلی میشیم که با کولر نمیشه، بی کولر هم نمیشه!



کارتون روز

مرغ در شمال ارزان شد!



فال روز

ای صاحب فال، امروز یک کتاب جدید خواهی خواند. البته شاید پولت نرسد و در کتاب فروشی فقط جلدش را بخوانی!

شعر روز

وقت اضافه

خواستم گل بدهم یار؛ ولی وقت نشد  
بخرم یک کت و شلوار؛ ولی وقت نشد!  
عهد کردم چو به پایان برسد دانشگاه  
بشوم در بدر کار؛ ولی وقت نشد  
خواستم کار کنم تا بتوانم بدهم  
پول آقای طلبکار؛ ولی وقت نشد!  
خواستم ترک کنم هرچه که زشت است و بد است  
مثل پر خواری و سیگار؛ ولی وقت نشد!  
قول دادم که زن و بچه خود را ببرم  
با خودم جمعه به بازار؛ ولی وقت نشد!  
آرزو کردم اگر بار دیگر بچه شوم  
می روم مدرسه این بار؛ ولی وقت نشد!  
امیر حسین خوش حال



پیامک روز

پیامک ۲۰۰۹۹۹۹  
تلفن ۰۹۳۵۳۳۹۴۵۷۶

هر چه می خواهد دل تنگت بگوا فقط...

نوشتن «دارکوب» ابتدای پیامک فراموش نشود!

دارکوب عزیز، مهندس ارشد شهرسازی هستیم و دنبال کار می گردیم، کاری برام سراغ ندارید؟

دارکوب: راست اش هر چی گشتم دیدم شهرساز به اندازه کافی داریم، کاش رفته بودی رشته ویلاسازی می خوندی که الان خیلی تو بورس!

کمال جان، پارانه توره که هم شرکت دری و هم تورون نامه ای حذف نکردن؟

دانش سعید

اق کمال: زبونه گاز بگیر، حقوق کل کارای مو به اندازه درآمد نصف روز بعضی شغل ها که پارانه می گیرن ولی مالیات نمندن، نمشه!

دارکوب واقعا متعجبم از عده ای که به جان حیوان های زان بسته افتاده اند، چرا قلب عده ای از سنگ شده؟

نسرین ایادریان  
دارکوب: چی بگم والا، ما خودمون زخم خوردیم! حداقل کاری که میشه کرد اینته صفحه «دارکوب» رو بخونیم تا دل مون نرم بشه!

ما بالاخره نفهمیدیم چرا کارت بانکی رو به کارت سوخت وصل کردیم و چرا باید کارت سوخت جدید بگیریم؟

دارکوب: لابد خیریتی توش هست که من و شما نمی فهمیم!



مرکز آموزش تخصصی رسانه

تلفن: ۳۷۰۰۹۲۲۵  
ساعت پاسخگویی: ۱۸-۱۰

www.edu-kh.ir

شغل دوم، درآمد اول

کارگاه رایگان آشنایی با بورس بدون نیاز به پیش مطالعه و آشنایی قبلی

• مدرس: میترا تاتاری (کارشناس بورس و بازارهای مالی)

• بهترین و امن ترین روش های سرمایه گذاری در شرایط اقتصاد تورمی چیست؟

• آشنایی با انواع بازارهای مالی (بورس، طلا، ارز و...)

آدرس: بلوار وکیل آباد، بین هنرستان ۱ و ۳، فرهنگسرای مصلی نژاد  
چهارشنبه ۶ شهریور ۱۳۹۸  
۱۷ تا ۲۰

اگر از پتانسیل فوق العاده سودآوری بازارهای مالی آگاهی ندارید شرکت در این کارگاه رایج دست ندهید.